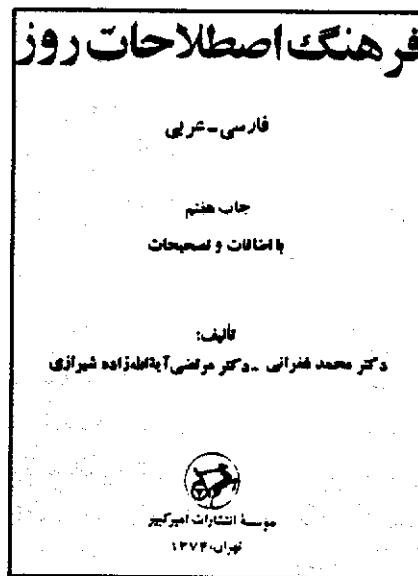


نگاهی به

فرهنگ اصطلاحات روز

محمدحسن شییبانی



فرهنگ اصطلاحات روز، تألیف دکتر محمد غفرانی، دکتر مرتضی آیت الله زاده شیرازی (فارس - عربی)، چاپ هفتم.

ثانوی یا استعمالات غلط فراهم آورند، در تصحیح اغلاط گویشی و یا کاربرد صحیح لغات در معانی مناسب، نقشی جدی و فراگیر داشته اند. زیرا با استناد به فرهنگهاست که استعمال لغات در معانی و کاربردهای مختلف رسمیت و حجیت یافته و از این رهگذر، شیوع و گسترش داشته است.

بدین لحاظ، در موارد شک یا اختلاف، لغت نامه به عنوان بهترین داور و موثق ترین منبع مطرح است و به آن استدلال و استناد می شود. بی تردید، آنچه موجب ارزش یک فرهنگ است به کارگیری املائی صحیح، ارائه معانی دقیق و به کاربردن گویش صحیح است تا خواننده بتواند نحوه املا، تلفظ و معانی

مدار زندگی اجتماعی بر ارتباط قرار دارد و در این راستا، زبان همواره مهمترین وسیله ارتباط افراد بشر بوده و از عناصر بسیار مهم در فرهنگ اجتماع به شمار آمده است. زبان یکی از نهادهای بنیادی جامعه است که تولّد، رشد، تغییر و فرسودگی دارد. از این رو به موازات تغییرات در زبان، فرهنگ نامه ها نیز هر چند سال به تجدید و تغییر نیاز مندند.

هنگام تهیه و تدوین یک لغت نامه، رعایت اصول و ضوابطی ضروری است. از اساسی ترین وظایف لغت نامه، ارائه معنای واژه، گویش و نحوه املائی صحیح آن است. فرهنگ نامه ها همانگونه که می توانند زمینه را برای کاربرد واژه ها در معانی

واژه‌ها را بدرستی فراگیرد.

با توجه به این واقعیت، فرهنگ نویسان بایستی در انجام این مهم، علاوه بر دارا بودن صلاحیت علمی، همواره با دقت و وسواس بسیار، آن را به اتمام رسانده و نوشته خویش را حتی تا مرحله پس از چاپ زیر نظر داشته باشند، تا آنکه اثر مصون از اغلاط چاپی و دیگر لغزشهای صوری و معنایی گردد. آنچه در اهمیت و تأثیر لغت نامه‌ها گفته شد، درباره فرهنگهایی که دو زبان را به یکدیگر پیوند می‌دهند مضاعف است و اینگونه لغت نامه‌ها از نقشی مهمتر و نفوذی عمیقتر برخوردارند. زیرا خواننده به دلیل ناآشنایی به زبان مقصد، نفوذپذیری بیشتری داشته و در به کارگیری واژه‌ها تابع فرهنگ است و براساس آن ارتباط برقرار می‌کند.

از سوی دیگر، ارتباطات گسترده کنونی به ضرورت فراگیری زبانهای دیگر انجامیده است و از طرفی حضور لغت نامه‌ها به عنوان ابتدایی ترین و ضروری ترین وسیله فراگیری زبان و لغات، نشانگر بعد دیگری از اهمیت این نوع لغت نامه هاست.

آنچه اکنون مورد گفتگوست، حاصل نگاهی است اجمالی به کتاب «فرهنگ اصطلاحات روز». با آنکه هفتمین چاپ کتاب، همراه با اصلاحات و رفع نواقص است، و وجود این موارد، نشانگر نیاز کتاب به بازنگری دقیقتر است. این مسائل ذیل این عناوین فهرست شده است، لغزشهای معنایی، موارد ابهام، اغلاط چاپی، اعراب گذاری و نقطه گذاری.

ضمن تقدیر و سپاس از زحمات و کوششهای مؤلفان محترم، این نوشته با توجه به درخواست نویسندگان آن مبنی بر ارائه پیشنهادها و اصلاحی، صورت پذیرفته است تا در چاپهای بعدی، ضمن اغتای فرهنگ نامه از لحاظ مصطلحات جدید، به رفع نواقص کتاب پرداخته شود.

لغزشهای معنایی و ادبی

برخی از اشکالات موجود در کتاب، به جنبه معنایی یا بعد ادبی آن مربوط است و این مسأله در مواردی روی داده است که دو واژه (در دو زبان مبدأ و مقصد) معادل یکدیگر نبوده و احیاناً بین آن دو، غرابت و بیگانگی وجود دارد و البته چنین مواردی نوآموزان و فراگیران زبان را در ورطه به کارگیری غلط واژه و استعمال نابجای آن می‌اندازد.

ص ۱۴. درباره «اجل معلق» نوشته است: اجل معلق: قضاء مبرم، اجل محتوم. می‌دانیم که اجل معلق به معنای مرگ ناگهانی است (ر.ج. فرهنگ معین) آیا مرگ ناگهانی می‌تواند

به قضاء مبرم و اجل محتوم ترجمه شود؟ جواب مطلقاً منفی است چنین ترجمه ای نه تنها بیگانه با اجل معلق است بلکه مخالف آن می‌باشد.

ص ۲۵: نماینده خود را اعزام کرد: ارسل مندوبه الخاص. به نظر می‌رسد ترجمه دارای معنایی افزون از زبان مبدأ است. زیرا نماینده ویژه یا خاص (که در ترجمه آمده) در زبان مبدأ لحاظ نشده است. پس ترجمه اخص است.

ص ۲۵: افراد ملت از رهبر خرداندیش خود استقبال باشکوهی به عمل آوردند: جماهیر الشعب استقبلت قائدها استقبالا راعاً، ...

در اینجا «خرداندیش»، علاوه بر آنکه ترکیبی ناصحیح است، ترجمه نیز نشده است.

ص ۶۸. حامل پیام است: يحمل رسالة شقویة. حامل پیام بودن اعم است از اینکه شخص حامل پیام شفاهی باشد یا کتبی، و ترجمه فقط بعدی از آن را نشان می‌دهد. در نتیجه، ترجمه اخص است.

ص ۱۰۶: چابک: ذکی

فارسی زبانان «چابکی» را در چست و چالاک بودن فرد به کار می‌برند یعنی آن را در بعد فیزیکی و بدنی می‌بینند؛ حال آنکه «ذکاوت» به زیرکی، هوش و فراست انسان و به طور کلی جنبه ذهنی او مربوط است. پس نمی‌تواند چابکی به ذکاوت ترجمه شود و این دو، معادل یکدیگر نیستند.

ص ۱۷۱. زال (سپید مو): عبّاد الشمس

زال به معنای پیر فرتوت و سفید موی است و چه بسا بر زن پیر اطلاق می‌گردد. همچنین «زال» نام پدر رستم است (چون او سفید موی متولد شد، به این نام شهرت گرفت). حال «چه ارتباطی بین زال و عبّاد الشمس است؟» سؤالی است که مؤلف کتاب بایستی بدان پاسخ دهد. آنچه به ذهن خطور می‌کند این است که به دلیل همان اتهام ایرانیان به مجوسیت و نیز مطرح شدن زال در شاهنامه و ایرانی بودن او، چنین اصطلاحی جعل شده است که جای بسی تأسف است و دقت بیشتر دست اندرکاران امر فرهنگ را می‌طلبد.

ص ۱۷۵. ساعت زنانه: ساعة نسائی، (بتقدیر لبس نسائی) اینجا صحیح آن است که «ساعة نسائیة» ترجمه شود؛ و ترجمه مذکور خلاف دستور زبان عربی (مبنی بر تطابق صفت و موصوف) است.

ص ۱۷۵. در ادامه آن چند لغزش ادبی دیگر وجود دارد که شکل صحیح آنها چنین است: «احذیه نسائية»، «ملابس نسائية» «حقیقه نسائية».

موارد ابهام

این کتاب در برخی موارد واژه‌های مبهم یا ناآشنایی را ارائه کرده است که خواننده در استفاده از آنها دچار اشتباه می‌گردد. گاه این مشکل به دلیل تلفظ و نحوه گویشی کلمه است و گاه ابهام به استعمال جغرافیایی واژه مربوط است و روشن نیست که واژه در کجا رایج بوده و به کدام کشور مربوط است. گاهی نیز ابهام در اصل معادل بودن دو زبان رخ نموده است. اینک نمونه‌هایی از آن ارائه می‌شود:

ص ۱۷. ذیل ادبیات عامیانه چنین آمده است: الادب العامی، الادب الشعبي (فولکلور). آنچه در میان پراکنش آمده است و نحوه تلفظ واژه را نشان می‌دهد، برای خواننده ابهام دارد. آیا در کشورهای عربی اینگونه تلفظ می‌شود؟ و یا آنکه اینگونه کاربرد، فقط به افراد یا مناطق خاصی محدود است؟ یا اینکه اشتباهی در چاپ یا اعراب گذاری است؟ زیرا در هر حال، واژه فولکلور (folk lore) از دو واژه «folk» به معنای توده و «lore» به معنای دانش ترکیب یافته است.

ص ۵۲. بیروکراسی: بیروقراطیه.

آنچه در زبان فارسی استعمال دارد و شایع است (و در فرهنگهای لغت بر آنگونه آمده است) بیروکراسی است. بیروکراسی ناآشنا و نامأنوس می‌نماید.

ص ۵۲. بی حرف: اُسکُت. اینکه «بی حرف» معنای امری داشته و یا در گفتگوها در چنین معنایی به کار رود، جای تردید است. بر فرض که «بی حرف» در معنای امری کاربرد داشته باشد، آیا معنای دیگر و کاربرد دیگری (مثلاً وصفی) ندارد؟ و بر اساس کدام قرینه، فقط یک وجه از آن ترجمه شده است؟

ص ۳۱۹. مواظب باش رنگی نشوید: اح ترس! بویه.

چنین املائی از «احترس» غلط است و ایجاد ابهام می‌کند. گذشته از اینکه به دلیل عدم تطابق دو فعل جمله (به لحاظ مفرد و جمع بودن) چنین جمله‌ای در فارسی گفته نمی‌شود.

ص ۱۳. به او اجازه خروج از کلاس را نمی‌دهم: لا اسمح له بالخروج من الفصل.

اینکه «الفصل» به معنای کلاس آمده باشد بایستی قید شود که در کدام کشور چنین معنایی دارد؛ تا خواننده و دانش آموز ابتدایی از به کارگیری کلی آن اجتناب کرده و در ارتباطات خویش دچار مشکل نگردد.

ص ۲۴۶. قد، قامت: قامه، عود، هَندام، در مورد «هَندام» همان مشکل قبلی وجود دارد. و کاربرد آن در زبان عربی مشکوک است یا احتمالاً مربوط به بخش خاصی از کشورهای عربی است، که بایستی قید شود.

ص ۱۷۳. بعضی کلمات رازدن، شطب بعضی الکلمات. «بعضی کلمات رازدن» برای فارسی زبانها مبهم بی معناست.

اغلاط چاپی

از مشکلات جدی این کتاب، وجود اغلاط چاپی است. این مسأله بویژه در فرهنگ نامه‌ها موجب اغلاط بسیار دیگری می‌گردد؛ زیرا اکثر مراجعه کنندگان به لغت نامه به دلیل عدم آشنایی کامل به زبان و به منظور دریافت صحیح واژه از حیث معنا، املا و گویش، همانگونه که لغت نامه ضبط کرده است دریافت می‌کنند و به کار می‌گیرند و در ارتباطات خویش به استناد فرهنگ و با تکیه بر آن به کاربرد غلط واژه‌ها می‌پردازند و این پیامد، نشانگر اهمیت لغت نامه‌ها و لزوم دقت در تصحیح و بخشوده نبودن لغزش چاپی است. آنچه در ذیل آمده، نمونه‌هایی است که با تورتق و نگاه اجمالی، به دست آمده است و صرفاً لزوم بازنگری دقیق را گوشزد می‌کند.

ص ۶. واژه «آشوب» به «اظطرابات» ترجمه شده که صحیح آن اظطرابات است.

ص ۶. او را در آغوش کشید: اخذه بین ذراعیه. «ذراعیه» صحیح است.

ص ۲۷. اماکن عمومی در شهر: ... المَدَنِيَّة. المدینه صحیح است.

ص ۸۰. ترافیک مختل شد. شَلَّت حَرَلَةُ المَرور. در اینجا «حرکه» به «حرلة» تبدیل شده است.

ص ۱۱۷. ذیل حق حاکمیت، «اراضیهها» به جای «اراضیها» آمده است.

ص ۱۳۲. داخل اطاق ...: «جَوَّ الأودَه». صحیح «جَوَّ الأوده» است.

ص ۱۵۵. راحت باشید: خذواحتک. به جای «راحتک».

ص ۱۹۶. نسنجیده سخن نباید گفت: ... «بجوز» «التدبر» صحیح است.

ص ۱۹۸. سوکمیسیون ...: هیئة قرعیه. به جای «فرعیه».

ص ۳۲۶. ناراحت نکرده باشیم شمارا، ... : از عجب‌اکم صورت صحیح، «از عجب‌اکم» است.
ص ۳۲۶. ناظر بین المللی: المراتب الدوکی. صحیح، الدوکی است.

اعراب گذاری

برخی از نارسایی‌های کتاب، مربوط است به اعراب گذاری. این مسأله، سبب القای گویش غلط به خواننده می‌شود. در ذیل به نمونه‌هایی از این موارد اشاره می‌شود:

ص ۷۹. مطالب او را تکذیب می‌کند: ... دَحَضُّ أَقَابِلَه. «دَحَضُّ» در باب تفعیل «دَحَضُّ» است. و «دَحَضُّ» کاربردی ندارد.

ص ۱۰. در ترجمه «ابراز» چنین می‌گوید:

ابراز (چیزی): الأعرابُ عن

در حالیکه آنچه به معنای ابراز می‌باشد مصدر فعل «أَعْرَبَ» است: «الأعراب». و اعراب جمع عَرَب است که هیچگونه ارتباطی با «ابراز» ندارد.

ص ۲۷. الکتریسته مثبت: الکهربائية الموجبة. الموجبة صحیح است.

ص ۱۷۳. زکام شدم، سرما خوردم: ... زَكُمْتُ. ماضی این فعل در ثلاثی مجرد مفتوح العین آمده است: (زَکَمَ، يَزْكُمُ) و «زَكُمْتُ» (مضموم العین) غلط است و کاربردی ندارد.

ص ۱۴۵. دفاع از میهن: الدُّودِ عن الوطن ... «الدُّودُ» صحیح است.

ص ۱۸۵. پروردگارا تو را ستایش می‌کنم: اللهم انا اَعْبُدُكَ و اَحْمِدُكَ. مضارع فعل «حَمَدًا»، «يَحْمَدُ» است. در نتیجه اَحْمَدُكَ صحیح است. در اینجا به قیاس فعل ماضی، عین الفعل در مضارع هم مکسور آمده است.

ص ۳۰۲. مذاکرات با شکست روبرو شد: ... المحادثات بآءٍ بالفُشْلِ. واژه «فُشِلَ» ابداعی بوده و جمع «فُشِلَ» «يَفُشِلُ» و «أَفْشَالُ» است.

ص ۳۰۶. مرکز کل آمار: مصلحة الأحصاء العام... «الأحصاء» صحیح است.

ص ۸۰. تخمه می‌شکنند: ... يَكْسِرُ الحَب. به جای «يَكْسِرُ».

نقطه گذاری

از جمله اموری که به القای صحیح معنا کمک می‌کند، نقطه گذاری است. خواننده به کمک آن، معنای صحیح جمله را تشخیص داده و دریافت صحیحی از آنچه نویسنده اراده کرده است به دست می‌آورد. در کتاب یاد شده، در این مورد نیز

لغزشهایی به چشم می‌خورد، از جمله:

ص ۱۰۹. چشم غره رفت: ... تغَضَّب. علیه. بین دو واژه «تغضب» و «علیه» نقطه گذاشته شده است و این ابهام را برای خواننده ایجاد می‌کند که این دو کلمه از یکدیگر جدا بوده و هر یک به تنهایی می‌تواند معنای «چشم غره رفتن» را برساند. در صورتی که چنین نیست و فقط ترکیب این دو کلمه، مفید چنان معنایی است.

ص ۲۲۱. ضیافت ناهار: مأدبه غداء حفلة غداء. بین دو معادلی که برای «ضیافت ناهار» داده شده است بایستی ویرگول می‌آید و چنین صورتی (بدون ویرگول) خواننده را به این گمان می‌اندازد که همه جمله، معادل «ضیافت ناهار» است.

ص ۲۹۶. مبادا: اِيَاكَ، اِيَاكَ، حذار. بین دو «اِيَاكَ» ویرگول آمده و نشانگر جدایی هریک و استقلال در معادل بودن با «مبادا» است که در این فرض، یک «اِيَاكَ» اضافه بوده و بایستی حذف شود؛ و اگر بین دو «اِيَاكَ» نقطه ویرگول می‌آید این اشکال مرتفع می‌شود.

ص ۲۹۷. متروی زیرزمینی: ... بین دو معادلی که ارائه شده، ویرگول نیامده است.

در آخر، به دو مسأله دیگر در کتاب اشاره می‌کنیم. بی‌شک، مدخلهایی که واژه‌ها در لغت‌نامه می‌یابند و از آن طریق به دست می‌آیند، بسیار مهم و حساس است؛ زیرا پژوهشگر، هر واژه را در جای مناسب خود می‌جوید و اگر در آن مدخل نیافت، بر این باور خواهد بود که فرهنگ، فاقد آن لغت است. در این کتاب، واژه‌ها احياناً مدخل مناسب خویش را نیافته‌اند. برای نمونه، به ذکر یک مورد اکتفا می‌کنیم: ترکیب «عطر زدن» در مدخل «زدن» آمده است. و مناسب چنان بود که در مدخل «عطر» گنجانده می‌شد. یا لااقل در هر دو مدخل می‌آید. (چنانکه بسیاری از ترکیبات و واژه‌ها در کتاب، مکرر و به مناسبت‌های مختلف آمده است.)

دیگر آنکه، این کتاب، فاقد بعضی از واژه‌هایی است که اینک مطرح است و «اصطلاح روز» شده است؛ و به دلیل آنکه «فرهنگ اصطلاحات روز» عنوان کتاب است، فقدان چنین واژه‌هایی دلیل بر نقص آن است. برای نمونه، اصطلاح «بیداری اسلامی» (الصحوّة) که امروزه در کتابها و روزنامه‌ها و مجلات به طور مکرر از آن یاد می‌شود، در این کتاب نیامده است.

